

فره‌نختمان

تحلیلگران «بحران مهاجرت»، «نگرانی‌های اقتصادی»، «بی‌اعتمادی به بروکسل و اتحادیه اروپا» و «جنگ‌ها و ناامنی» را از عوامل رشد راست‌گرایان افراطی در قلب اروپا می‌دانند؛ اما به نظر می‌رسد هیچ‌کدام از این‌ها به اندازهٔ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در رشد راست‌گرایی در اروپا موثر نبوده‌است. ترامپ روز سه‌شنبه درحالی‌که هنوز بریتانیا در شوک تجمع حدود ۱۵۰ هزار نفره حامیان راست افراطی است و محافظه‌کاران از مرگ چارلی کرک به‌عنوان نقطه‌ای برای بسیج مردمی استفاده می‌کنند، به لندن سفر کرد تا جان تازه‌ای به جناح راست اروپا که پس از دهه‌ها ادعای مظلومیت در کشورهای خود، در حال اوج گرفتن است، بدهد. راست‌ها تا پیش از سال ۲۰۱۰، در حاشیه سیاست مشغول دست‌و پا زدن بودند؛ اما با برگزیت و پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶، وضع فرق کرد؛ آن‌ها در انتخابات پیروز می‌شوند، در میان رأی‌دهندگان جوان محبوبیت پیدا می‌کنند و از حمایت ترامپ هم بر خوردارند. برای دهه‌ها، اروپا احزاب راستگرا را محصور کرده بود و به هر شکلی مانع از ورود آن‌ها به قدرت می‌شد؛ اما اکنون آن دوران به پایان رسیده‌است. راست‌های افراطی اکنون در بسیاری از دموکراسی‌ها به‌باز یکران تثبیت‌شده‌ای تبدیل شده‌اند. برای مثال، انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۲۴ منجر به کسب بیش از ۲۰ درصد آرا توسط احزاب راست افراطی شد و اکنون احزاب راست افراطی تقریباً در تمام پارلمان‌های ملی اروپا نماینده دارند. در خارج از اروپا، راست افراطی در هند، اسرائیل و برزیل در دولت حضور داشته‌است.

خیز راست‌های افراطی برای در دست گرفت قدرت، بدون شک متأثر از الگویی است که دونالد ترامپ به کمک آن به قدرت رسید. واقعیت این است که ترامپ به راست‌های افراطی یک مدل جایگزین معتبر ارائه داد و این دقیقاً همان چیزی بود که راست‌های اروپا به‌شدت به آن نیاز داشتند. حالا آن‌ها با یک تجربه بسیار موفق مواجه هستند و موبه و من آن را به اجرا می‌گذارند تا شاید روزگاری نه چندان دور، در اروپا نیز قدرت به‌دست آن‌ها بیفتد. نمونه این ادعا، سند لورفته‌ای از حزب راست‌افراطی «آلترناتیو برای آلمان» AfD است که نشان می‌دهد چگونه احزاب راستگرا در سراسر اروپا در حال تقلید استراتژی‌های دونالد ترامپ هستند. در سندی که Politico آن را افشا کرده AfD، مرحله بعدی برنامه قدرت‌طلبی خود را توضیح می‌دهد: «هدف ما ایجاد وضعیتی است که در آن تقسیم‌بندی سیاسی دیگر بین AfD و سایر جریان‌های سیاسی نباشد، بلکه بین یک اردوگاه پروژوا-محافظه‌کار و یک اردوگاه چپ‌رایکال، مشابه وضعیت در ایالات متحده باشد.»

پنجشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۴

۱۵۱۶

شماره ۴۵۰۸

۱۵۱۶

FARHIKHTEGANDAILY.COM

۱۵۱۶

FARHIKHTEGANONLINE

سفر دونالد ترامپ به انگلیس، راست‌های افراطی را تقویت می‌کند

ارتش اروپایی ترامپ مجهز می‌شود

اعلام کرد. «اول کشور من» به شعار استاندارد یک اتحاد نوظهور تبدیل شده‌است. سفر دونالد ترامپ به انگلیس، آن‌هم پس از تجمع بزرگ راست‌گرایان که با خشونت نیز پایان یافت به‌طور حتم به گروه‌های راست افراطی در اروپا کمک می‌کند. این کمک‌ها البته عیان نخواهد بود و نباید انتظار داشتست ترامپ صراحتاً از راست‌ها حمایت کند، اما حضور او در لندن در حداقلی‌ترین حالت، مشروعیت‌بخشی به گفتمان پوپولیستی این جریان است. در سطح اروپا، احزاب راست افراطی مانند حزب اصلاحات انگلیس (Reform UK) به رهبری ناجل فاراژ که ترامپ او را «دوست» خودش خوانده، از این سفر برای تقویت موقعیت خود استفاده می‌کنند. نظرسنجی هانشان می‌دهد که ۳۰ درصد رأی‌دهندگان این حزب، ریاست‌جمهوری ترامپ را برای کشورشان مثبت می‌دانند. بزرگی این رقم زمانی روشن می‌شود که بدانیم این میزان برای دیگر گروه‌ها ۱ تا ۸ درصد است. این سفر که با حمایت‌های غیر مستقیم مانند پست‌های ایلان ماسک در شبکه‌ایکس همراه است، به‌عنوان «موج ترامپ» در اروپا تفسیر می‌شود.

حضور ترامپ در اروپا از چند منظر برای راست‌های افراطی حائز اهمیت است. ۱- ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده و یکی از چهره‌های مطرح جهانی، برای احزاب راست افراطی در اروپا نماد مشروعیت و قابل قبول بودن است. وقتی او از شخصیت‌هایی مانند مارین لوپن در فرانسه یا ماتئو سالوینی در ایتالیا حمایت می‌کند، رسانه‌ها و مخاطبان داخلی آن کشورها این پیام را دریافت می‌کنند که این افراد و ایدئولوژی‌شان دارای اعتبار بین‌المللی هستند. حتی بدون حمایت مستقیم، حضور ترامپ در رسانه‌های جهانی و اشاره به احزاب راست افراطی اروپایی باعث می‌شود این گروه‌ها احساس مشروعیت و دیده‌شدن کنند. به‌عنوان نمونه، پس از انتخابات ۲۰۱۶ و پیروزی ترامپ، نظرسنجی‌ها نشان داد که محبوبیت و اعتبار احزاب راست افراطی در فرانسه و ایتالیا افزایش یافت و رسانه‌های داخلی شروع به پوشش مثبت‌تر از این احزاب کردند.

۲- ترامپ به‌عنوان نماد «اول آمریکا» و گفتمان ضد مهاجرتی‌اش، بزرگ‌ترین الگو برای رهبران راستست افراطی اروپا است. فاراژ سیاست‌های مهاجرتی حزب خود را «الهام‌گرفته از برنامه‌های ترامپ» توصیف کرده‌است. حضور ترامپ در انگلیس، این گفتمان را مشروع جلوه می‌دهد به حزب‌هایی مانند آلترناتیو برای آلمان یا ملی‌گرایان مجارستان انگیزه می‌دهد. به‌عنوان نمونه، در کنفرانس راست افراطی در مادرید، نام ترامپ و کرک بر زبان‌ها بود و شرکت‌کنندگان آن را «مبستگی فراملی» نامیدند. پست‌های شبکه ایکس نشان می‌دهد که فعالان راست افراطی، مانند حساب‌های

دردل انفجارها و دود جنگ، بازاری مخفی و پنهان در اوکراین جان گرفته است

سود اروپا از اقتصاد زیرزمینی اوکراین

۳- افزایش جرائم سازمان‌یافته: اقتصاد خاکستری به‌شکل گیری و تقویت شبکه‌های قاچاق انسان، اسلحه و مواد مخدر می انجامد و می‌تواند امنیت کشور را در بلندمدت به خطر بیندازد.

شبکه‌های پنهان و اقتصاد خاکستری

هرج و مرج جنگی، با تضعیف کنترل دولت بر مرزها و مناطق داخلی ب‌سستری ایدئال برای رشد شبکه‌های پنهان و سازمان‌یافته به وجود می‌آورد. این شبکه‌ها در حوزه‌های مختلف فعال هستند و پیام‌های مخربی برای اقتصاد و امنیت کشور دارند که مشتمل هستند بر:
الف) قاچاق اسلحه
با سرازیر شدن حجم عظیمی از تسلیحات، نگرانی‌ها در مورد قاچاق این سلاح‌ها به بازارهای سیاه به یک واقعیت تبدیل می‌شود. دولت مرکزی در خصوص این مهم توانایی کنترل ندارد و این سلاح‌ها نه تنها به سود دولت تمام نمی‌شود بلکه توسط تروریست‌های داخلی و یا خارجی علیه دولت نیز به کار گرفته می‌شود. گفنتی است که بخشی از این تسلیحات‌ها از طریق مخازن انبارهای نظامی، با یا برخی از افراد فاسد در سیستم‌های توزیع، به دست افراد گروه‌های افند. در واقع شبکه‌های پنهان اقتصاد مهم‌ترین بانی قاچاق اسلحه در شرایط جنگ و در راستای رواج اقتصاد خاکستری هستند. در نهایت قاچاق این سلاح‌ها تنها امنیت را مختل می‌کند بلکه با انتقال آن‌ها به سایر مناطق بی‌ثبات جهان، امنیت جهانی را نیز به خطر می‌اندازد. این پدیده می‌تواند به قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی و افزایش درگیری‌ها در سایر موارد منجر شود.

ب) قاچاق انسان
یکی از دردناک‌ترین پیامدهای جنگ، افزایش چشمگیر قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان است. با فرار میلیون‌ها نفر از کشور، بسیاری از آن‌ها به شرایط ناامن در سایر کشورها پناه می‌برند و به طعمه‌های آسان برای شبکه‌های قاچاق تبدیل می‌شوند. در واقع قاچاقچیان با وعده‌های دروغین مانند مسکن و زندگی بهتر قربانان را جذب می‌کنند و سپس آن‌ها را در اروپا مورد سوءاستفاده جنسی و یا کار اجباری قرار می‌دهند.

ج) رواج اقتصاد سیاه

با نابودی زیرساخت‌ها و کالاهای اساسی و توانمندی دولت ملی، بازار سیاه برای کالاهای اساسی و سوخت به شدت فعال می‌شود. شبکه‌های قاچاق با استفاده از مرزهای آسیب‌پذیر کالاها را بدون پرداخت مالیات وارد کشور کرده و با قیمت‌های گزاف به مردم می‌فروشند. این امر باعث افزایش تورم، کاهش خرید مردم و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود به علاوه برخی از این کالاها سوخت تأثیر مخربی بر محیط‌زیست

نیز بر جای خواهند گذاشت.

د) پولشویی و فساد:
شرایط‌های شبکه‌های مالی پنهان

جنگ شرایط مناسبی برای پولشویی و فساد ایجاد می‌کند و کمک‌های مالی بین‌المللی، بوجه‌های نظامی و کمک‌های بشردوستانه، همه در معرض خطر سوءاستفاده و اختلاس قرار می‌گیرند. در این شرایط شبکه‌های پنهان با برخی از مقامات فاسد به این منابع کمک‌ی بین‌المللی دسترسی پیدا کرده و آن‌ها را به جیب خود می‌ریزند. این امر نه تنها باعث کاهش توان مالی دولت برای مبارزه با جنگ می‌شود بلکه به بی‌اعتمادی مردم به دولت و نهادهای بین‌المللی دامن می‌زند. همچنین پول‌های کیف از این فعالیت‌ها، به اقتصاد رسمی تزریق می‌شود و باعث بی‌ثباتی مالی و تورم می‌شود.

با علم به نقش شبکه‌های پنهان و مؤلفه‌های اقتصاد خاکستری حال این پرسش مطرح می‌شود که کدام قدرت‌های خارجی در ایجاد اقتصاد خاکستری در اوکراین نقش اساسی دارند؟

قدرت‌های خارجی و اقتصاد خاکستری در اوکراین

در شرایط جنگی اقتصاد خاکستری اوکراین به یک میدان رقابت و نفوذ برای قدرت‌های خارجی تبدیل شده‌است. این قدرت‌ها از طرق شبکه‌های مختلف، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در این اقتصاد دخالت می‌کنند.

روسیه: عامل اصلی هرج و مرج

تهاجم روسیه به عنوان منشأ اصلی هرج و مرج و بی‌ثباتی نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصاد خاکستری دارد. در واقع هدف اصلی روسیه تضعیف دولت مرکزی اوکراین است. با ایجاد بی‌ثباتی و فساد روسیه تلاش می‌کند تا کارایی دولت اوکراین را کاهش دهد و اعتماد مردم به آن را از بین ببرد. اقتصاد خاکستری به ابزاری برای تحقق این هدف تبدیل شده‌ است. در شرایط جنگ شبکه‌های قاچاق در مرزهای روسیه و مناطق اشغالی همچنان فعال هستند. این شبکه‌ها با تبادل غیرقانونی کالا، ارز و حتی انسان منافع اقتصادی خود را تأمین می‌کنند. گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی از این شبکه‌ها توسط سرویس‌های اطلاعاتی روسیه برای کسب اطلاعات یا تأمین مالی عملیات‌های مخفیانه استفاده می‌شوند. اساساً روسیه با استفاده از شبکه‌های پنهان در کشورهای همسایه از جمله اوکراین تلاش می‌کند تا تحریم‌های بین‌المللی را دور بزند و به کالاهای مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند. این امر به اقتصاد خاکستری در منطقه دامن می‌زند.

کشورهای همسایه (به ویژه اتحادیه اروپا)

مرزهای اوکراین با کشورهای همسایه به ویژه در غرب به دروازه‌های اصلی قاچاق تبدیل شده‌اند؛ شبکه‌های قاچاق انسان در کشورهای همسایه با استفاده از شرایط ناامن جویان به قاچاق‌چران و کودکان افرائینی می‌پردازند. این شبکه‌ها اغلب به شبکه‌های بین‌المللی متصل هستند و از خاک اوکراین به عنوان مبدأ استفاده می‌کنند به علاوه با توجه به نیاز شدید مردم به کالا‌های اساسی و سوخت، شبکه‌های قاچاق از کشورهای روست‌ها با دور زدن سیستم‌های گمرکی و پرداخت رشوه کالاها را وارد اوکراین می‌کنند. این امر نه تنها به اقتصاد قانونی اوکراین ضربه می‌زند بلکه باعث افزایش فساد در نهادهای مرزی می‌شود. در یک کلام، در ج‌ولان شرایط جنگی، قدرت‌های خارجی ذی‌نفع می‌کوشند تا از آب گل آلود اوکراین به نفع خود ماهی بگیرند.

وایسین سؤالی که در این نوشتار ذهن مخاطب را مشغول می‌کند این است که اقتصاد خاکستری چه تأثیری بر آینده جنگ در اوکراین دارد؟ اقتصاد خاکستری تأثیر متعددی بر اوکراین دارد که ذیل‌آ به اهم آن اشاره می‌کنیم.

۱- تضعیف توان مالی دولت

اقتصاد خاکستری با فرار مالیاتی گسترده درآمدهای دولت را به شدت کاهش می‌دهد. این در حالی است که دولت اوکراین برای تأمین هزینه‌های نظامی، بازسازی زیرساخت‌ها و ارائه خدمات به مردم، به شدت به این درآمدها نیازمند است. کاهش درآمدهای مالیاتی دولت را به کمک‌های خارجی وابسته‌تر می‌کند و قدرت مانور آن را در برابر روسیه کاهش می‌دهد.

۲- افزایش فساد و بی‌اعتمادی

اقتصاد خاکستری فساد را در تمامی سطوح جامعه از مرزبانان و کارمندان گمرک تا مقامات دولتی افزایش می‌دهد. این فساد به بی‌اعتمادی مردم به دولت و نهادهای دولتی منجر می‌شود و انسجام ملی را که برای مبارزه با یک دشمن قدرتمند حیاتی است، تضعیف می‌کند.

۳- ممانعت از بازسازی

حتی در صورت پایان جنگ اقتصاد خاکستری یک مانع بزرگ برای بازسازی کشور خواهد بود. با وجود شبکه‌های فاسد و غیرقانونی جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اجرای پروژه‌های بازسازی بسیار دشوار خواهد شد. این وضعیت می‌تواند اوکراین را در یک چرخه بی‌ثباتی ورکود نگه‌دارد. به طور خلاصه اقتصاد خاکستری اوکراین منجر به تضعیف توان دولت ملی، کاهش انسجام و یکپارچگی ملی و کاهش توانایی بازسازی می‌شود و تمام این مؤلفه‌ها زنجیرهور شرایط جنگ را علیه اوکراین و به نفع روسیه تمام می‌کنند.

تاریخی، باید یک نهاد مستقل تنظیم‌گر ملی در حوزه آب و انرژی تشکیل شود که فراتر از وزارتخانه‌ها و نهادهای اجرایی، بر شفافیت، کارایی و عدالت در تخصیص منابع نظارت کند و سیاست‌های کلان را بر اساس داده پژوهش و مشارکت اجتماعی طراحی و ارزیابی کند. سرمایه‌گذاری گسترده و جدی در انرژی‌های تجدیدپذیر با استفاده از مشارکت بخش خصوصی، مشوق‌های مالیاتی و فناوری‌های بومی سازی شده نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی گریز ناپذیر است.

ایران با متوسط تابش آفتابی بیش از ۳۰۰ روزه در سال، از ظرفیت‌های بی‌نظیری در توسعه انرژی خورشیدی بر خوردار است که تاکنون مغفول مانده‌اند. همچنین ضروری است تا در بخش کشاورزی، برنامه‌ای ملی برای ارتقای بهره‌وری آب، کاهش سطح زیرکشت محصولات آب‌بر و استفاده از تکنولوژی‌های نوین آبیاری به اجرا گذاشته شود. چنین برنامه‌ای باید با مشارکت جدی کشاورزان، نهادهای محلی و با پشتیبانی هم‌راه باشد. در نهایت، دولت باید با بازسازی زیرساخت‌های سرمایه اجتماعی و ایجاد عملی‌وار کارهای پاسخگویی و مشارکت واقعی، اعتماد عمومی را احیا کند. تا زمانی که سیاست‌گذاری در حوزه منابع حیاتی، بدون حضور نظارت صورت گیرد، هیچ اصلاحی پایدار نخواهد بود.